

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

جعفر
۰۳ اگست ۲۰۲۰

خائن ملی سلیمان "نالایق" پس از یک عمر خیانت، مرد!

جمعه گذشته مرگ به یاری یک برده وجدان باخته ای شتافت که سراسر زندگی ننگین و کارنامه های خائنه و جنایتکارانه اش از "غلامی مجددی" تا "غلامی روس" جنایتکار را در بر می گیرد. طبق اخبار، "غلام مجدد" (سلیمان لایق) عضو باند خودفروخته و جنایتکار منحلۀ "پرچم" در حزب و طنفروش و جنایت پیشۀ "دموکراتیک خلق" پس از دهه ها سهم گیری مستقیم در ارتکاب خیانت ملی و تاریخی، میهن فروشی، جلادی، تبلیغ ایده های زرد و اسارتبار رویونیسم ضد انقلابی خروشچی و سهم داشتن در جنایات بیکران سیستماتیک عامدانۀ دستگاه های آدمکشی "اگسا"، "کام" و "خاد" و سرودن در مدح "استعمار سرخ"؛ سرانجام روز جمعه دهم اسد، در اوج بدنامی و در ادامه خودفروشی به اخلاف اشغالگر سوسیال امپریالیسم دیروزی در کشور ما، در المان مرد.

نود سال قبل سلیمان لایق در یک خانواده روحانی پیرو طریقت نقشبندیه و مرید "مجددی" ها متعلق به قبیله "خروتی" زاده شد و پدرش اسم "غلام مجدد" را برای وی برگزید. غلام مجدد که از طلاب مدرسۀ ابوحنیفه یغمان بود، به زبانهای پشتو و دری نگاشته و شعر نیز می سرود. در جوانی تحت تأثیر "میر اکبر خیبر" رفیق ببرک کارکل قرار گرفت. این گرایش، زمینه شرکت وی را در نخستین کنگره "ح د خ"، - به عنوان ستون پنجم سوسیال امپریالیسم توسعه طلب روس در کشور ما - مساعد ساخت.

پس از توقیف جریده رویونیستی "خلق" توسط دولت شاهی وقت، و جدائی طرفداران ترکی و ببرک، جناح "پرچم" آن حزب، به رهبری ببرک کارمل، جریده علنی "پرچم" را به مدیریت مسؤلی سلیمان لایق به راه انداخت. جریده های "خلق" و به ویژه "پرچم" در نقش بلندگوی و وسیله تشهیر اندیشه های زرد ضد انقلابی، میهنفروشانه، با آرایش انقلابی و دموکراتیک در خدمت تبلیغ، اشتها و ترویج خزعبلات رویونیستی با سرخاب سوسیالیستی برای کتمان مطامع و اهداف توسعه طلبانه و نواستعماری و ضد انقلابی یکی از مراکز استعماری و بزرگ ترین پایگاه ضد انقلاب جهانی (سوسیال امپریالیسم توسعه جوی روس) بودند و جریده "پرچم" بر اساس طرح استعماری تزاران نوین در کرملین، به مشاطه گری نظام مستبد و فرتوت ظاهر شاهی پرداخته و ببرک شاید ظاهر شاه را یکی از مترقی ترین شاهان آسیا خطاب می کرد.

قبل از کودتای هفتم ثور غلامان روز رهن، اکثر رهبران هر دو جناح آن حزب میهن فروش با اسامی مستعار به عضویت (کی جی بی) پذیرفته شده و در آزادی درآمد و حقوق ماهوار، برای آن دستگاه استخباراتی - به زیان مادر

میهن - جاسوسی می کردند. "غلام مجدد" که گاو کشته و اسم خود را به "سلیمان لایق(بخوان غلام روس) مبدل کرده بود، یکی از آن جواسیس مستمری خوار دستگاه اطلاعاتی روسی در کشور ما بود.

با پیروزی کودتای روسی ۷ ثور ۱۳۵۷ش، سلیمان لایق و دیگر رهبران زندانی آن حزب مزدور سوار بر زره پوش روسی از زندان سردار داوود که خودش در جریان آن کودتا کشته شده بود، بیرون آمده و به دفتر رادیو افغانستان برده شدند تا در نقش برده های بی وجدان بر مداخلات نظامی و توسعه طلبی ارباب جهانخوار روسی شان زبوانه و خائنانه مهر تأیید گذاشته و از وی بابت رهائی شان از زندان، ابراز شکران کنند.

زان پس سلیمان نالایق طی ۱۴ سال حاکمیت ننگین پوشالی کودتاچیان ۷ ثوری در سمت های وزارت، معینیت، عضویت در کمیته مرکزی و بیوروی سیاسی حزب جنایتکار "خلق و پرچم" تا روز فرار نجیب جلااد کار کرد. به دلیل پشتون بودن و تعلقش به قبیله "خروتی" همراه با فرصت طلبی ذاتی اش که همتایان "پرچمی" اش نیز بدان معترف اند، همراه با دستور و حمایت پنهانی ارباب روسی از وی، پس از آشکار شدن نزاع های جناحی قدرت پوشالی بین مزدوران شیفته قدرت "خلق" و "پرچم"؛ نه تنها سلیمان لایق شغل میهنفروشی در حزب و دولت مزدور روس را از دست نداد، مغضوب امین جلااد نشد، بلکه به عنوان فرد معتمد هر سه جناح حزب و دولت مزدور و منفور (ترکی ها، امینی ها و بیرکی ها) شناخته شد.

سلیمان لایق مادر فروش به عنوان مهره فرهنگی - ادبی استعمارگر روسی، سال های سال در جرگه مزدوران فرهنگی استعمار روس، در اوج توحش استعماری و کشتار اربابان اشغالگرش، حین برپائی گور های دسته جمعی توسط آدمکشان "اگسا"، "کام" و "خاد"، در مدح روس رهن، اشغالگری، کشتار و جنایاتش شعر سرود، مقاله نوشت و هورا کشید.

تمامی رهبران موجود یا معدوم باند های جلااد "خلق و پرچم" از تره کی تا نجیب جلااد بدون استثناء به مثابه رهبران حزبی و دولتی، علاوه از کارنامه های ننگین خائنانه؛ در ارتکاب جنایت، زندانی ساختن، آدمربائی، ناپدید ساختن، شکنجه، بمباران های گسترده غیرنظامیان روستا های کشور، اعدام و برپائی گور های دسته جمعی برای مردم افغانستان توسط دستگاه های جاسوسی و شکنجه "اگسا"، "کام" و "خاد" و جنایات آشکار کارگزاران، جواسیس، شکنجه گران، مستنطقان، خارنوالان، قضات محاکم ضد انقلابی، افسران ارشد نظامی، جلاادان، گورگنان و... مسؤولیت مستقیم دارند. از این رو، همه این رهبران با عاملان فوق الذکر دستگاه های سه گانه شکنجه و سیستم قضائی نظام مزدور روس، در محکمه وجدان بشری، در حافظه جمعی و پیشگاه عدالت مردم ستمدیده افغانستان و از منظر قوانین و میثاق های حق بشری جهانی، چه قبل از مرگ و چه پس از مرگ، محکوم به نکوهش و مجازات اند و از آن گریزی ندارند.

سلیمان لایق معدوم یکی از آن رهبران حزبی و دولتی است که باید مورد مؤاخذه تاریخ قرار گیرند. سلیمان لایق مثل تمامی رهبران خائن و جنایتکار حزب و رژیم مزدور روس اشغالگر است که طی ۱۴ سال سمت های بلند حزبی و دولتی داشته و دست و دامانش به خیانت و جنایت آلوده و دستانش به خون سرخ فرزندان انقلابی و آزادیخواه خلق شجاع و به پاخاسته افغانستان - به جرم آزادیخواهی - رنگین است. پس از شکست محتوم و عقب نشینی شرمسارانه نیرو های قاتل و اشغالگر روسی از کشور ما و در آستانه سقوط حتمی رژیم مزدور ساخته و پرداخته روس اشغالگر، رهبران آن حزب و دولت مثل اربابان سوسیال امپریالیست شان با پشت کردن به اندیشه های زرد و ضد انقلابی رویزیونیستی؛ بر پایه تعلقات خونی - زبانی، تجزیه شده و در ۸ ثور قدرت پوشالی را دو دسته تقدیم گروه های رقیب اخوانی کرده و بدین وسیله راه را برای جنگ بربادگرانه قدرت و مرگ و تباهی آفرینی ۸ ثوری ها باز کرده و در آن

شریک شدند. این مورد اخیر یکی دیگر از کارنامه های سلیمان لایق است. وی از آن زمان تا آخرین نفس در کمپ تمامیت خواهان شوونیست و حاکم پشتون و زیر بیرق اشغالگران امپریالیست دست به تفرقه افکنی قومی – زبانی زده و بدین وسیله به اشغالگران کنونی میهن خدمت کرده است. گر چه سلیمان لایق مثل اکثر رهبران جنایتکار حزبی و دولتی با کارنامه های قابل مواخذه و پرسش، قبل از محاکمه شدن در دادگاه عدالت مردمی، مرد، اما این شتافتن مرگ برای نجاتش قبل از محاکمه، از سنگینی بار خیانت و میزان جنایت انجام شده به سویه فردی و جمعی در آن حزب و دولت، نمی کاهد و اجبران "لایق" و "نالایق" روس اشغالگر را برانت نمی دهد.

هر چند همه این رهبران، کاکزاران و فعالان دستگاه های حزبی، جاسوسی، امنیتی، نظامی و قضائی در آن رژیم پوشالی ضد ملی و ضد مردمی که به زور سلاح، سرباز و روبل روسی برپا بود، همراه با مزدوران و دولت های مرتجع و پوشالی پس از آن تا امروز، از منظر وجدان بشری تا ابد محکوم با مجازات سنگین اند که تا هنوز به طور رسمی و عملی مواخذه نشده اند، ولی دیر یا زود با ورق خوردن تاریخ، محاکمه عادلانه حضوری یا غیابی رسمی کلیه جنایتکاران و ناقضان حقوق بشری در آن دولت و دم و دستگاه و خیانت و توحش همتایان اخوانی – کمپرادوری شان در اداره های پوشالی تا کنونی دائر خواهد شد. از حکم تاریخ گریزی نیست.